



## رفقای کارگرا

اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز جشن جهانی کارگران فرارسیده است. اول ماه مه روز نمایش همبستگی جهانی طبقه کارگر صرف نظر از مذهب، ملیت، زبان، نژاد، رنگ و جنس است. این روز مظهر نبرد ما بر علیه استثمار، ستم، فقر و فلاکت و گرسنگی و همه مظلوم و مشقات جامعه طبقاتی و مثلاً آنان یعنی سرمایه داری و امپریالیسم است. این روز سمبل رزم ما برای رهائی از یوغ سرمایه و سرمایه داری، برای نجات و رستگاری بشریت ستدیده و ساختمان جامعه ای عاری از طبقات و ستم طبقاتی، یعنی کمونیسم است. این روز خسته بر همه شما مبارک باد

اول ماه مه امسال راپرولتاریای جهانی در شرایطی جشن می گیرد که سیستم امپریالیستی در عمیقترین و شدیدترین بحرانهای اقتصادی و سیاسی تاریخی خود گرفتار آمده است و جهان و بشریت بطرف نقطه ای انفجاری نزدیک می شوند. چنین بحرانی نه تنها اجازه ثبات به نظم کهن در اکثریت قریب باتفاق نقاط جهان، منجمله ایران را نمی دهد، بلکه هر روز بیشتر رژیمهای حافظ نظام امپریالیستی (اعم از ریزو درشت) ربه عق بحرانی که سیستم بین المللی سرمایه رادر خود غوطه و ر ساخته می کشاند. شیرازه امور برده داران نوین جهان، دارد از هم می پاشد. بهمین جهت آنان از یک طرف بطور انار کبیخته، جنگی جهانی و خانمانسوز علیه یکدیگر را تدارک می بینند تا شاید بتوانند مانده جنگ جهانی قبل، بر خاکسترهای این جنگ چند صباحی بیشتر بساط استثمار و غارت خود را بگسترانند، و از طرف دیگر برای مقابله با امواج انقلابات و جنبشهای کشورهای تحت سلطه و نیز مبارزات و جنبشهای رادر خود کشورهای امپریالیستی، که خود نظامشان را تهدید می کند، به وحشیانه ترین انواع سرکوب و دیکتاتوری و رذیلانه ترین شیوه های عوامفریبی و تحمیق رو آورده اند.

لیکن علیرغم دشواریها و خطرات، در چنین شرایطی است که بهترین فرصت برای پیشرویهای تاریخی پرولتاریا فراهم می آید. فشارهای ناشی از بحران و تدارکات جنگی امپریالیستی و تزلزل و بی ثباتی امپریالیستی و وابستگی نشان، خود بهترین زمینه ساز انقلابات است. حتی اگر هم انقلاب نتواند از جنگ جهانی امپریالیستی جلوگیری کند، فجایع و خرابیهای ناشی از جنگ و خشم و نفرت عظیم توده ها از آن، روند انقلاب را تسریع خواهد کرد. بقول مائوتسه دون "با انقلاب جلوی جنگ را می گیرید یا جنگ به انقلاب پامی دهد."

اما کارگران آگاه جهان حتی برای یک لحظه فراموش نمی کنند که تنها انقلابات تحت رهبری طبقه کارگر می توانند گامی اساسی بجلو بردارند و جهان را بسوی جامعه ای فارغ از ستم و استثمار طبقاتی نزدیکتر گردانند. بهمین دلیل کارگران آگاه جهان اگر چه از تمامی انقلابات و جنبشهای جاری پشتیبانی می کنند ولی این رابه کارگران و همه توده های زحمتکش و تحت ستم توضیح می دهند که راه نجات واقعی از این سیستم جهنمی را تنها کمونیستهای انقلابی و طبقه کارگرند که نشان می دهند و بازمی نمایند. زیرا این تنها طبقه کارگراست که هیچ چیز ندارد از دست بدهد مگر زنجیرهایش را. ولی دیگران بخاطر علائق مادی شان نمی توانند زنجیرها را بگسلند. دستیابی به جامعه ای عاری از طبقات و ستم و استثمار طبقاتی، یعنی کمونیسم، خود مستلزم اتحاد رزمنده پرولتاریای جهانی است و اول ماه مه تجلی و نمود این اتحاد رزمنده است.

پس اول ماه مه را باید اینچنین بزرگداشت و جشن گرفت.

برای پرولتاریای ایران، اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) سال ۶۴ در بحیره تلاطم اوضاع اجتماعی فرا میرسد. اول ماه مه امسال در شرایط استیصال روز افزون رژیم در مقابل بحران و مبارزات توده ای، بین بست جنگ ارتجاعی و رشد تضادهای درون رژیم و مشخصاً برخاستن امواج نوین مبارزات کارگری و توده ای و خیزشهای ضد جنگ فرامیرسد. رژیم جمهوری اسلامی، این کلیفترین و رذلترین خائنین به انقلاب، این وارث برحق رژیم محدرضاشاهی و این مظهر ضد انقلاب، امروز در زیر ضربات سهمگین مبارزات مردم ما از وحشت مرگ بخود می لرزد. پایه های این رژیم پوسیده و ترک برداشته اند و دور نیست آن روزی که باقیام مسلحانه زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر و کمونیستهای انقلابی این رژیم کهن در هم فرو ریزد و با خاک یکسان شود. طبقه کارگر و زحمتکشان با مبارزات قهرمانانه و دلوریهای بی مانند خود که در انقلابات جهانی بینظیر بود، رژیم دوازده روزه پانصدساله سلطنتی و ازبای در آورده اند. ولی نبود رهبری واقعی انقلابی و کارگری ما را از حفظ و گسترش دستاوردهای قیام ۲۲ بهمن ۵۷ و تداوم انقلاب ناتوان ساخت. بهمین

دلیل زحمتکشان، در مقابل با کودتای ۲۰ خرداد ۶۰ در مقاومت مطلق شدند، هر چند هیچگاه باین رژیم فاسد تمکین نکردند و بر سلسله آن کردن نگذاشتند. کما اینکه امروزه در تدارک قیامی دیگر برای باتش کشیدن بساط خلافت نیز یک مشت جانی خیره سرفاتل مزدور می باشند.

امروز مرتجعین، سلطنت طلبها و اقاشار مرفه جامعه و برخی افراد عقب مانده و نادان در میان زحمتکشان به توده مردم سرکوفت می زنند و اشک تمساح می ریزند که انقلاب گردید و نتیجه اش را دیدید. جواب صاف و ساده اینست: سلطنت پیوسیده و متعفن با آن جوانک دلقک هرجائی قلدر زاده و آن خود فروشان سیاسی و خوکان و استثمارگران طویلۀ محمد رضا شاهی ارضائی خودتان. استثمار و دیکتاتوری و فساد محمد رضا شاهی، چه بشکل سلطنت "مشروطه" و چه بشکل "جمهوری" اش ارضائی خودتان. مابازم انقلاب خواهیم کرد همانطور که سلطنت راهب گورستان تاریخ فرستادیم با جمهوری اسلامی هم چنان خواهیم کرد. ما را از شکست نترسانید. کدام ارتش پیروزمندی و اسراغ دارید که شکست نخورده باشد آپرولتاریا برای شکستهایش عزاداری نمی کند بلکه از آنها درس می گیرد تا در آینده با چشمان بازتری حرکت کند و از این درس آموزی برای بازگشت به موضع تعرض، نیرو و توان می گیرد و بدین سان شکست خود را به ضد خود تبدیل می سازد. آری ارتش های شکست خورده خوب درس می گیرند.

انقلاب عظیم ایران و سرنگونی حکومت شاه که یکی از قلدرترین و باثبات ترین نوکران امپریالیسم بود، چشم جهانیان را خیره ساخت و امیدهای بسیاری را در قلوب ستمدیدگان جهان برانگیخت، اما به همان میزان ضد انقلاب بعد از آن نیز جهانیان را بهت زده کرده است! هر ستمدیده ای هر جا خواست بر ضد قهر نوکر مستبد و مرتجع انقلاب کند، امپریالیستها و ارتجاعیون توی سرشان زدند که: می خواهید انقلاب کنید؟ خمینی کیرتان خواهد آمد! زحمتکشان و بویژه طبقه کارگر ایران این مسئولیت را هم در قبال ستمدیدگان عالم دارند که با ادامه انقلاب و سرنگونی رژیم خونخوار خمینی، امیدهای از دست رفته را به خیلی های بازگردانند و این حربۀ تبلیغاتی را از ارتجاع و امپریالیسم بگیرند. مابا تداوم انقلاب ناتمام خود رو بیدن بساط خلافت خمینی و جمهوری اسلامی ارتاست. جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر و گدار به سوسیالیسم، باید سهم و دین خود را در مبارزه برای رهائی بشریت ستمدیده و ایجاد جهانی فارغ از استثمار، ظلم و ستم طبقاتی ادا نماید.

رفقای کارگرا

رژیم جمهوری اسلامی رفتنی است! امروز کمتر کسی در این امر تردید دارد. اما سؤال اساسی تر این است که چگونه و به چه قیمتی این رژیم سرنگون خواهد شد و مهمترین اینکه چه چیزی جایگزین آن خواهد شد؟ امپریالیستها، سلطنت طلبان و مرتجعین به تکاپو افتاده اند که مبدا این بار زحمتکشان و طبقه کارگر ابتکار عمل را در دست گیرند و انقلاب کنند. و نیروهای دیگر، چون شورای ملی مقاومت و مجاهدین نیز در تلاشند تا مبدا طبقه کارگر مستقلانه و در عمل شود رهبری زحمتکشان را به کف گیرد و بنیاد امپریالیسم و ارتجاع را هدف قرار داده و ریشه کن سازد. از همین روست که طبقه کارگر باید سرعت و فعلا نه آماده شود و ابتکار عمل را به کف گیرد. باید هوشیار بود که اوضاع کنونی فرارسیدن فرصت هائی بس عظیم را ننید می دهد و اگر ما آماده نباشیم خطر آن است که دیگران انقلاب ما را همچون بار قبل به بیغما ببرند و فتنیحتی دیگر همانند جمهوری اسلامی بر ما بیاروند. مابالاجبار در پیچ و خم ها و در میان انبوه مشکلات و خطرهای بیرونی و داخلی خواهیم شد آنچه ما را در مقابل این خطرات و فشارها مصون خواهد داشت آن است که مرکز خط تمایز بین خود و دشمنان و دوستان موقتی مان را مشخص سازیم و از رفتن بزریر پرچم این و آن (که بجز بدبختی برایمان نمیبی نخواهد داشت) احتراز نکنیم بهمین جهت بخشی مهم از تدارک و آمادگی ما برای سرنگون ساختن جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی، هر چه تیزتر کردن خط فاصل ما بین خود و تمامی دشمنان عیان و پنهان و متحدان موقتی مان می باشد.

اوضاع بار دیگر متلاطم شده و دورنمای سرنگونی جمهوری اسلامی در افق پدیدار گشته. سؤال این است که این بار هم زنجیرهای بندگی فقط به تکان در خواهند آمد یا پاره پاره خواهد شد؟ آبا در نظم کهن فقط به لرزه در خواهند آمد یا زمین ای نوین برای رهائی به کف آورده خواهد شد؟ آبا مردم با چشمان بسته خواهند جنگید یا با سر بلند چشم های دوخته شده به افق، آماده کسب پیروزی؟ آبا باز هم پرولتاریا و زحمتکشان سیاهی لشکر دیگران شده، تحت رهبری آنها در راه فاجعه ای بس عظیمتر و دردناکتر خواهند جنگید یا پرچم رهبری بدست توانای پرولتاریا خواهد افتاد و توده های عظیم خلق زحمتکش، سربازان ارتش پرولتاریا و رزمندۀ راه منافع خودشان خواهند بود؟

رفقای کارگرا پاسخ به این سئوالات را میزان اتحاد و همبستگی و رزمندگی ما خواهد داد.

ما به کسی وعده پیروزی سهل و ساده رانمی دهیم، کسی را با سراب موفقیت‌های آسان و بی دردسرفریب نمی‌دهیم و کسی را با اوام و خوشخیالی درباره رفاه فوری پس از کسب قدرت سیاسی دلخوش نمی‌کنیم و اگر کسی هست که حاضر است برای تکه ای نان به مرگت تن دهنده بویغ بندگی هر قره نوکر استبداد و هر سرمایه دار مفتخور و هر حکومتگر فاسدی را به گردن تحمل کند و آزادی و انسانیت خود را به جوئی و به پول سیاهی بفروشد، بگذار تادر همان منجلاب مدفون بماند. ما فقط این را می‌گوئیم که خوشبختی و اجزایانبردهای دشوار و خونین نمی توان بدست آورد و برای رهائی قطعی از این سیستم منحوس و این زندگی نکبت بار هیچ راهی نیست مگر آنکه طبقه کارگر خود امر رهائی خویشتن را به کف گیرد و در پیشاپیش تمامی توده زحمتکش همه استثمارگران و اسرنگون سازد و قدرت را به جنگ آورد و دوشادوش همزنجیران خود در سراسر جهان در راه ساختمان جامعه ای بی طبقه یعنی کمونیسم گام بردارد.

ما فقط این را می گوئیم که نبردهای عظیم در پیش است و اگر نمی خواهیم قربانی دیگران شویم و اگر دیگر سی خواهیم این شرایط نکبت بار و خفت آور و سیاه را بر خود حاکم ببینیم، باید آستین ها را بالا بزنیم و مهیا شویم آری، نبردهای عظیمی در پیش است، مهیا شویم! رفقای کارگرا!

اول ماه مه امسال را با یاد میلیونها و میلیونها کمونیست و کارگری برگذار کنیم که طی ۱۴۰ سال گذشته در راه رهائی کارگران و زحمتکشان جهان و برای ساختمان کمونیسم بخاک افتاده اند. به یاد هزاران کمونیست و انقلابی که در مبارزه علیه شاه و خمینی جان باخته اند.

— برای تعطیلی رسمی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) مبارزه کنیم — مراسم و "جشن های" فرمایشی رژیم را تحریم کنیم و مراسم و جشن های مستقل کارگری برگذار نماییم — برای ۴۰ ساعت کار در هفته مبارزه کنیم — مبارزات کارگران را با مبارزه علیه جنگ ارتجاعی تاسرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پیوند دهیم .

سرنگون با رژیم جمهوری اسلامی  
بر سر راه آزادی جمهوری دمکراتیک خلق  
زنده باد کمونیسم

## اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

۱۱ اردیبهشت ۱۳۴۴

\* این اعلامیه از سوی اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) در ایران انتشار یافته و ما به انتشار مجدد آن در خارج از کشور اقدام کرده‌ایم.  
مواداران ا. ک. ا. (سربداران)